راه اندازی قطار قم - گرگان

عضو هیات مدیره راه آهن جمهوری اسلامی از راه اندازی قطار مسافری قم – گرگان خبر داد و گفت: این قطار می تواند نقش موثری در گسترش گردشگری بین المللی و درآمدزایی داشته باشد. به گزارش ایرنا، سعید رسولی در دیدار با آیت الله سید محمد علی علوی گرگانی از مراجع تقلید بیان کرد: حمل و نقل ریلی با هزینه های کمتر و امنیت بیشتر صورت می پذیرد و بهترین جایگزین برای ترددهای جاده ای و خطرهای ناشی از آن است. عضو هیات مدیره راه آهن جمهوری اسلامی در ادامه به راه اندازی قطار قم – گرگان با فروش بلیت طی روزهای جاری اشاره کرد و گفت: این قطار علاوه بر حمل و نقل مسافران ایرانی در مسیرهای یاد شده می تواند نقش موثری در گسترش گردشگری بین المللی و درآمدزایی از این طریق با انتقال زائران خارجی حاضر در قم به مناطق شمالی کشور داشته باشد. وی اظهار داشت: راه آهن جمهوری اسلامی ایران در ۹۰ سالگی تاسیس خود در زمینه انتقال بار و مسافر همه توانش را برای خدمت رسانی مطلوب به مردم به کار گرفته و این نهاد در مقاطع مختلف از جمله دوران دفاع مقدس برای انتقال نیرو و تجهیزات به جبهه های جنگ، نقش موثری داشت.وی با اشاره به درآمد زایی راه آهن از طریق حمل بار، ادامه داد: راه آهن در بخش مسافربری به دلیل دریافت مبلغ کمتر از هزینه های تمام شده از مسافر، زیان ده است و هزینه های این بخش را با استفاده از کمک دولت و حمایت از شرکت های خصوصی با اعتبارات داخلی این دستگاه تامین می کند.عضو هیات مدیره راه آهن جمهوری اسلامی گفت: موثرترین و بهترین راهکار برای کاهش تلفات جانی و مالی در جاده های کشور توسعه راه آهن و تشویق مردم به استفاده از شبکه ریلی برای حمل و نقل است.رسولی افزود: علاوه بر این توسعه راه آهن موجب کاهش آلودگی زیست محیطی و مشکلات ترافیکی ناشی از تردد وسایل نقلیه در جاده ها نیز می شود.وی با اشاره به اجرای طرح های توسعه شبکه های ریلی در اطراف تهران، ادامه داد: در این شهر روزانه ۶۰۰ هزار خودرو در مسیرهای حومه شهر تردد می کنند که اگر خطوط ریلی در اطراف آن توسعه یابد حجم بالایی از تردد خودرویی کاسته می شود و سطح ترافیک و آلودگی زیست محیطی تهران کاهش قابل توجهی می یابد. رسولی گفت: توسعه راه آهن در کشور موجب بالا رفتن سطح رفاه مردم می شود و نقش موثری در پیشرفت همه جانبه ایران دارد.وی با بیان اهمیت اتصال مراکز تولید و توزیع کالا به شبکه ریلی کشور افزود: در بسیاری از مناطق ایران راه آهن با هزینه زیاد شبکه ریلی لازم برای اتصال کارخانه ها و مراکز تولیدی را ایجاد کرده است اما آن ها باز هم کالای خود را از طریق راه جاده ای منتقل می کنند.وی ادامه داد: طرح مستقلی را در این زمینه تهیه کرده ایم و تلاش می کنیم تا جایی که امکان دارد مراکز تولید و توزیع کالا در کشور را به خط راه آهن سراسری متصل کنیم اما در موفقیت این طرح راه آهن به تنهایی نمی تواند تغییر لازم را ایجاد کند و نیاز به مشارکت جمعی است.رسولی گفت: نقل و انتقال کالا با استفاده از خطوط ریلی یکی از راه های موثر برای مقابله با تحریم های ظالمانه دشمنان است و در این رابطه خط راه آهن فراملی «گرمسار» به «اینچه برون» نقش موثری دارد و به دنبال برقی شدن آن برای افزایش سرعت و میزان حمل و نقل کالا با استفاده از این خط ریلی هستیم.وی افزود: از طریق این خط ریلی راه ارتباطی مناسبی میان ایران و چین برای نقل و انتقال کالا به وجود می آید و محموله های باری از این طریق وارد کشور می شود.رسولی گفت: حمل و نقل ریلی دارای ویژگی های مثبت بسیاری همچون صرفه جویی در وقت و هزینه، امنیت بالا و کاهش تلفات در مقایسه با ترددهای جاده است و با توسعه آن می توان از تلفات سالانه ۲۶ هزار تن در جاده های کشور که رقم بسیار قابل توجهی است، تا حد زیادی جلوگیری کرد.به گزارش ایرنا در این دیدار آیت الله سید محمد علی علوی گرگانی نیز گفت: حمل و نقل از طریق راه آهن با هزینه کمتر و امنیت بیشتر انجام می شود و به همین دلیل باید بتوانیم از شبکه ریلی در کشور بیشتر استفاده کرده و آن را توسعه دهیم.این مرجع تقلید افزود: قطار در زمینه های مختلف حمل مسافر و بار بهترین وسیله است و به بسیاری از نیازهای اجتماعی مردم پاسخ می دهد. وی با بیان این که هیچ کدام از وسایل حمل و نقل برکت قطار را ندارد و این وسیله از همه نظر ممتاز است، گفت: هر چه دولت در زمینه توسعه بیش از پیش راه آهن و گسترش خطوط ریلی در همه نقاط تلاش کند به نفع کشور است.آیت الله علوی گرگانی با تصریح بر اینکه امکان رفت و آمد جمعی و خانوادگی با قطار فراهم است و به همین خاطر مردم از آن استقبال می کنند، افزود: کاهش هزینه سفر و حمل بار از طریق راه آهن، موجب استقبال بیشتر مردم از این وسیله می شود.وی افزود: توسعه خطوط راه آهن در ایران و اتصال آن به خطوط ریلی کشورهای منطقه و جهان، به نفع کشورها و سایر ملت هاست.وی در بخش دیگری از سخنان خود خواستار شتاب بخشی در عملیات اتصال خط ریلی گرگان به مشهد شد و بیان کرد: این خط ریلی نقش موثری در آبادانی منطقه خواهد داشت و مردم بومی آماده هرگونه همکاری با دولت برای انجام این طرح هستند.آیت الله علوی گرگانی در ادامه رمز موفقیت کشور را حضور مردم در عرصه های اجتماعی و حفظ انسجام آنان در برابر توطئه های تفرقه انگیز دشمن دانست.

آغاز عملیات احداث ۲۱ سکوی بتنی در کمپ مسافری پارک جنگلی النگدره

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهرداری گرگان از آغاز عملیات احداث ۲۱ سکوی بتنی به ابعاد ۳۶ متر مربع با مشارکت معاونت امور فنی و زیربنایی شهرداری گرگان در کمپ مسافری پارک جنگلی النگدره خبر داد. به گزارش روابط عمومی شهرداری گرگان، یحیی ستوده نیا اظهار کرد: عملیات احداث ۲۱ سکوی بتنی با مشارکت معاونت امور فنی و زیربنایی شهرداری گرگان در کمپ ۵/۵هکتاری مسافری پارک جنگلی النگدره به ابعاد ۳۶ متر مربع و با مصالح آجر متناسب با سازه‌های قبلی به منظور رفاه شهروندان و همچنین ایجاد فضایی برای اسکان موقت مسافران نوروزی و تابستانی آغاز شد.وی گفت: با توجه به جاذبه‌های گردشگری پارک جنگلی النگدره و نقش ارزشمند و موثر آن در توسعه گردشگری، هدف از احداث سکوهای بتنی ایجاد فضایی مناسب برای رفاه هرچه بیشتر شهروندان و مسافران نوروزی و آماده سازی این تفرجگاه در ایام نوروز و تابستان برای پذیرایی از مهمانان داخلی و خارجی است که امیدواریم این پروژه تا پایان سال جاری به اتمام برسد.رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهرداری گرگان تاکید کرد: در راستای توسعه گردشگری پارک جنگلی النگدره و معرفی این مکان ارزشمند طبیعی در سطح کشور، اقدامات گسترده ای صورت گرفته که با تأمین اعتبارات کافی به خصوص در سال آینده شاهد توسعه هرچه بیشتر امکانات رفاهی و گردشگری در این مکان زیبا و منحصر به فرد خواهیم بود.

چهارشنبه بازار گرگان هر روز بازار می شود

سرپرست معاونت خدمات شهری شهرداری گرگان با بیان این که چهارشنبه بازار گرگان از ۱۵ اسفند هر روزبازار می شود، گفت: چند نقطه را برای ساماندهی دستفروشان در هسته مرکزی شهر در نظر گرفته ایم. موسی الرضا صفری در گفتگو با مهر اظهار کرد: در برنامه های استقبال از بهار تقسیم کار در سازمان های شهرداری صورت گرفت. وی افزود: ابتدا کارگروه خدمات شهری نوروزی را تشکیل داده و جلسه ای با مناطق تابعه خدمات شهری، پیمانکاران تابعه، سازمان سیما و منظر و آتش نشانی تشکیل دادیم تا وظایف را بیان کنیم. صفری با بیان این که از ۱۱ اسفندماه ۹۷ طرح استقبال از بهار در شهرداری گرگان شروع می شود، گفت: ابتدای شروع طرح هم با مانور و رژه ناوگان موتوری فعال در اجرای طرح است که ساعت ۹ صبح از میدان بسیج شروع خواهد شد. سرپرست معاونت خدمات شهری شهرداری گرگان با اشاره به این که بعد از اجرای مانور کار عملیاتی به طور رسمی شروع می شود، اضافه کرد: نواحی خدمات شهری محلات را تقسیم بندی کرده و هر روز کار پاکسازی یک یا دو محله را انجام می دهیم که شامل لایروبی کامل انهار، شستشو انهار، آهک پاشی، جاروکشی، جمع آوری تراکت، پوستر و برچسب هـای تبلیغاتی از سطح دیوارها و آیفن هـا و درب ها، شستشوی مخازن و رنگ آمیزی آن ها و غیره است. صفری تأکید کرد: یک برنامه زمانبندی هم بین خدمات شهری و سازمان فضای سبز تنظیم شده که همزمان با فعالیت خدمات شهری، فضای سبز هم در آن محله مشغول کار شوند. وی ادامه داد: برنامه ریزی کردیم که حداقل در هر منطقه کار پاکسازی یک محله با مشارکت شهروندان انجام شود، در این طرح شهروندان علاقمند می توانند در پاکسازی پوستر و کارهای ساده به ما کمک کنند و در پایان فعالیت به آن ها گلدان گل زیبا هدیه خواهیم داد. سرپرست معاونت خدمات شهری شهرداری گرگان تصریح کرد: همچنین برشورهایی را جهت ارتقاء فرهنگ شهروندی از قبیل ساعت جمع آوری زباله، جلوگیری از ریختن نخاله در مخازن و سایر موضوعات خدمات شهری چاپ کردیم که بین شهروندان در آن روز توزیع می شود. وی بیان کرد: جمع آوری نخاله مازاد حریم و حاشیه داخل شهر، شستشوی ویژه المان های شهری و پل ها هوایی، ایستگاه های اتوبوس و غیره از دیگر اقدامات در برنامه های استقبال از بهار است. صفری گفت: مکاتبه ای را با مخابرات و اداره برق استان انجام دادیم تا رنگ آمیزی و نظافت کافوهای مخابرات و کیوسک های تلفن و تابلوهای برق و منصوباتی که مربوط به این ادارات است در شهر انجام شود. وی اظهار کرد: برنامه ویژه ای برای ساماندهی دستفروشان داریم که هماهنگی های اولیه تدارک پنج نقطه در هسته مرکزی شهر صورت گرفته تا بتوانیم فضاهایی را برای آن ها در نظر بگیریم.

خبر

برقراری پرواز در مسیر رشت و تبریز از فرودگاه گرگان

مدیرکل فرودگاه‌های گلستان از راه‌اندازی خط پروازی گرگان–رشت– تبریز از فروردین ۹۸ خبر داد. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی اداره کل فرودگاه های گلستان رامین آذری در خصوص افزایش خطوط پروازی فرودگاه بین‌المللی گرگان اظهار کرد: با پیگیری‌های به عمل آمده و در پاسخ به تقاضای مردم استان، خط پروازی گرگان– رشت– تبریز از ۱۲ فروردین ماه در فرودگاه گرگان برقرار می‌شود. وی افزود: این پرواز که توسط شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی و به صورت کانکشنی (اتصالی) برنامه‌ریزی شده، تردد مسافران از استان گلستان به شمال غرب کشور را تسهیل خواهد کرد.آذری ادامه داد: در حال حاضر فرودگاه گرگان دارای پروازهای منظم هفتگی به مقاصد تهران، مشهد، زاهدان، بندرعباس و کیش است.

بانک سپه برای توسعه اقتصادی گلستان تلاش می کند

مدیر شعب بانک سپه گلستان با یادآوری شرایط حساس اقتصادی کشور گفت: مجموعه تحت امرش با تلاش مضاعف برای توسعه اقتصادی استان تلاش خواهد کرد. غلامرضا خموشی با حضور در خبرگزاری ایرنا اظهار داشت: بانک سپه گلستان با حضور موثر و هوشمندانه در عرصه هـای مختلف اقتصادی و در تعامل سازنده با دستگاههای اجرایی استان در راستای منویات رهبر معظم انقلاب و سیاستهای دولت در بحث اقتصاد مقاومتی و طرحهای مرتبط حداکثر تلاش و تخصیص لازم را به عمل خواهد آورد.وی اظهار داشت: بانک سپه تاکنون نیز با تزریق اعتبارات مناسب در تسهیل و رونق تولید گلستان و نیز اجرای پروژهای اقتصادی اثرگذاری بالایی داشته است.وی با یادآوری ضرورت و تاثیر کارکرد رسانه های ارتباط جمعی در توسعه جوامع گفت: خبرگزاری جمهوری اسلامی به عنوان رسانه مرجع؛ حرفه ای و اثرگذار در توسعه فرهنگی – اقتصادی جامعه اثرگذاری بالایی دارد.مدیر شعب بانک سپه گلستان با ابراز خرسندی از آشنایی بیشتر با فرایند تولید و توزیع خبر خواستار تعامل هرچه بیشتر رسانه ها بویژه ایرنا به منظور شتاب بخشی در توسعه استان شد.خموشی ابراز داشت: بانکه سپه به عنوان بانکی دولتی در عرصه کلان اقتصادی کشور کارکرد بالایی دارد و اثرگذاری اقداماتش در تعامل با رسانه های ارتباط جمعی بیشتر خواهد شد چرا که رسانه ها علاوه بر نمایندگی افکار عمومی و بیان خواسته های مردم؛ در تعامل با مسوولان و تقویت کارکرد دستگاه ها موثرند.

تلاش دستگاه قضایی برای احیا یکی از بزرگترین واحدهای تولیدی گلستان

رئیس کل دادگستری گلستان از تلاش دستگاه قضایی برای احیا یکی از بزرگترین واحدهـای تولیدی گلستان خبر داد. به گزارش مهر، هادی هاشمیان به همراه اعضای ستاد اقتصاد مقاومتی قوه قضاییه استان از واحدهای تولیدی شهرک صنعتی مینودشت دیدن و مشکلات آن ها را بررسی کردند. رئیس کل دادگستری گلستان در این بازدید در جمع فعالان اقتصادی این شهرک صنعتی بار دیگر با تاکید بر حمایت دستگاه قضایی از تولیدکنندگان واقعی اظهار کرد: هیچ یک از قضات ما حق صدور رای توقیف تاسیسات و خط تولید واحدهای تولیدی و صنعتی استان را ندارد و اجازه اجرای آرای این چنینی را نخواهیم داد. هادی هاشمیان با بیان این که توقیف تولید برای پرداخت بدهی شرکت ها راه عاقلانه ای نیست، افزود: تنها راه پرداخت بدهی ها، ادامه تولید است و برای جلوگیری از تضییع حقوق طلبکاران در دبیرخانه ستاد اقتصاد مقاومتی استان، تضمین ها و تعهدهای کافی از صاحبان این واحدهای تولیدی گرفته می شود تا پس از تولید و فروش محصولات خود، بدهی های شان را بپردازند.وی در ادامه سخنان خود از برخورد با تعدادی از مدیران بانکی استان به علت دریافت سودهای نامتعارف و عمل برخلاف بخشنامه های بانک مرکزی هم خبر داد و گفت: دادستان مرکز استان مامور رسیدگی به این موضوع است و برای مدیرانی که به جای کمک به تولید، سنگ اندازی می کنند پرونده تشکیل می شود.

خبر

بهره برداری از ۲۶۳ واحد مسکونی روستایی نیمه تمام در گلستان

مدیر کل بنیاد مسکن گلستان از بهره برداری ۲۶۳ واحد مسکونی روستایی نیمه تمام از محل تسهیلات تکمیلی در گلستان خبر داد. محمدتقی زمانی نژاد در گفتگو با مهر اظهار کرد: طرح پرداخت تسهیلات قرض الحسنه به واحدهایی که از بنیاد مسکن در روستاها وام گرفته و تکمیل و به بهره برداری نرسیده را اجرا می کنیم تا واحد مسکونی روستایی کامل شود. وی افزود: از پاییز سال گذشته تاکنون ۲۶۳ واحد مسکونی نیمه تمام از تسهیلات تکمیلی استفاده کرده و واحدهای خود را تکمیل کردند. زمانی نژاد ادامه داد: در قالب طرح ویژه و نوسازی و بهسازی مسکن روستایی از سال ۸۴ تاکنون ۵۷ هزار و ۵۰۰ واحد مسکونی را کامل و در محل سفت کاری و به بهره برداری رسیدن است.وی گفت: کار نوسازی و بهسازی ۶۱ هزار واحد مسکونی در دستورکار بود که چهار هزار واحد هم در مرحله عقد قراداد و شروع ساخت است.زمانی نژاد بیان کرد: امسال حدود پنج هزار سهمیه ۲۵ میلیون تومانی داریم و هفت بانک هم تسهیلات بدون سپرده و قرض الحسنه پرداخت می کنند که دوره ساخت و بازپرداخت آن هم ۱۵ ساله است.وی با بیان این که گلستان جزو استان‌های پیشرو در نوسازی و بهسازی واحدهای روستایی است، یادآور شد: وام های بنیاد مسکن که در روستاها و شهرهایی با جمعیت کمتر از ۲۵ هزار خانوار پرداخت می شود ۲۵ میلیون تومان بوده و از ابتدای سال تاکنون دو هزار پرونده قرارداد بستند که بخشی تسهیلات ۱۸ میلیون تومان و ۲۰ میلیون تومانی و بخشی هم وام های جدید ۲۵ میلیون تومانی است.

جشنواره تنها یک زمین داریم در گنبدکاووس

جشنواره فرهنگی – هنری با عنوان تنها یک زمین داریم با هدف درست کردن کارهای دستی با استفاده از وسایل دور ریز به منظور جلوگیری از تخریب محیط زیست در گنبدکاووس آغاز به کار کرد. به گزارش ایرنا، در این جشنواره که روز چهارشنبه درمحل کانون فرهنگی – تربیتی شهید رجایی گنبدکاووس افتتاح شد، ۸۵ دست ساخته نوآموزان مقطع پیش دبستانی این شهرستان که از وسایل دور ریز درست شده، به نمایش گذاشته شده است. مدیر آموزش و پرورش گنبدکاووس در مراسم افتتاح این جشنواره که برای دومین سال در مدارس و مراکز پیش دبستانی سراسر کشور برگزار می شود، گفت: ارتقای آگاهی نوآموزان و تقویت خودباوری آنان نسبت به حفظ و پاکیزگی محیط زیست با استفاده از وسایل دور ریز مهمترین هدف این رخداد فرهنگی هنری می باشد.فرج الله رزاقی افزود: پس از فراخوان این جشنواره، تعداد ۳۰۰ دست ساخته نوآموزان به دبیرخانه ارسال شد که پس از داوری آثار، تعداد ۸۵ اثر منتخب برای بازدید دیگر نوآموزان و خانواده آنان به نمایش گذاشته شـده است.وی اضافه کرد: از بین آثار منتخب سه اثر برتر با نظر هیات داوران به مرحله استانی جشنواره فرهنگی –هنری تنها یک زمین داریم، ارسال می شود.

استقرار ۲۴ اکیپ راهداری گلستان برای ارائه خدمات نوروزی

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای گلستان از استقرار ۲۴ اکیپ راهداری گلستان در جاده ها برای ارائه خدمات نوروزی به کاربران جاده ای و مسافران خبر داد. به گزارش مهر، مهدی میقانی در خصوص آمادگی نیروهای راهداری برای خدمات‌رسانی نوروزی اظهار کرد: همکاران اداره کل راهداری از ۲۵ اسفندماه ۹۷ تا ۲۰ فروردین ۹۸ به کاربران جاده ای و مهمانان نوروزی استان خدمات رسانی می کنند.وی افزود: گشت‌های نامحسوس و مشترک با پلیس راه، ساماندهی پاسگاه های پلیس راه، کشیک دو مرکز معاینه فنی، آمادگی هزار و ۶۰۰ دستگاه انواع خودرو از نوع اتوبوس، مینی بوس و سواری و ۱۶۰ دستگاه ناوگان سبک و سنگین راهداری، ۲۴ اکیپ راهداری با ۳۵۰ نیرو و برپایی ایستگاه های امدادی از جمله اقدامات ما در ایام نوروز است. میقانی گفت: برای بالا بردن سطح ایمنی حمل و نقل و کاهش تلفات جاده ای استان در این ایام باید زیربنایی کار شود تا سطح سرویس بهتر به کاربران داشته باشیم.

آگهی‌های ثبتی

آگهی تغییرات شرکت تعاونی یاوران مزرعه وشمگیر

به شماره ثبت ۱۱۶۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۴۷۰۲۲۲ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۰۳/۱۱/۱۳۹۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : – سبحان بردی یارعلی به شماره ملی ۴۹۷۹۸۳۰۴۷۱ و عزیزالله صالحی زاده به شماره ملی ۳۶۷۱۹۵۲۵۴۷ و فریدون حمیدی به شماره ملی ۴۹۷۹۱۲۱۷۰۵ بسمت اعضای اصلی هیئت مدیره و محسن احمدی خواه به شماره ملی ۴۹۷۹۸۳۱۱۳۳ و محمد پذیرش به شماره ملی ۴۹۷۹۸۲۶۳۵۰ بسمت عضوعلی البدل هیئت مدیره بمدت سه سال انتخاب گردیدند. –رضا یحیی پور به شماره ملی ۰۰۸۲۱۵۶۱۶۶ به سمت بازرس اصلی و عبدالقادر دهشت به شماره ملی ۴۹۷۰۰۸۲۱۱۹ به سمت علی البدل بازرس بمدت یکسال مالی انتخاب گردیدند.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان– مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری آق قلا – شناسه آگهی ۳۸۸۶۹۳

تاسیس شرکت تعاونی گندم طلائی حیدری

درتاریخ ۱۱/۰۹/۱۳۹۷ به شماره ثبت ۱۲۸۱۰ به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۹۷۸۲۱۷ ثبت و امضا ذیل دفاترتکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. –موضوع شرکت: ایجاد وراه اندای سیلو ، در صورت لـزوم پس از اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح (ثبت موضوع فعالیت مذکور بمنزله اخذ وصدور پروانه فعالیت نمیباشد) –مدت شرکت: از تاریخ ثبت بمدت نامحدود –مرکز اصلی شرکت: استان گلستان – شهرستان گرگان – بخش مرکزی – شهر گرگان–محله شهرک میلاد–خیابان لامعی ۷ [ابا صفا]–کوچه حافظ ۱۹–پلاک ۰–طبقه همکف– کدپستی۴۹۱۳۹۷۳۵۵۸ –سرمایه اولیه شرکت : مبلغ ده میلیون ریال منقسم به ۲۰۰ سهم ۵۰۰۰۰ ریالی که تعداد ۲۰۰ سهم آن با نام می باشد که مبلغ ده میلیون ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۲۲۲/۳۱۰۰ مورخ ۹/۷/۹۷ نزد بانک توسعه تعاون شعبه مرکزی گرگان پرداخت گردیده است. –اولین مدیران شرکت: ۱ . پیمان حیدری به سمت رئیس هیئت مدیره به شماره ملی ۲۱۱۰۳۵۹۴۷۱ ۲ . فاطمه حیدری به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به شماره ملی ۲۲۳۹۵۳۷۷۳۶ ۳ . یحیی حیدری به سمت مدیرعامل و منشی هیئت مدیره به شماره ملی ۲۲۴۸۶۶۱۹۲۴ ۴ . علی حیدری به سمت عضو هیئت مدیره – عضو علی البدل به شماره ملی ۳۶۷۲۰۸۸۵۴۴ ۵ . منصور حیدری به سمت عضو هیئت مدیره – عضو علی البدل به شماره ملی ۲۲۳۹۵۳۷۶۹۸ به مدت سه سال انتخاب گردیدند. –دارندگان حق امضا: کلیه اسناد اوراق بهادار و تعهد آور شرکت با امضاء ثابت مدیرعامل و رئیس هیات مدیره ودر غیاب رئیس با امضای نائب رئیس هیات مدیره همراه با مهر شرکت وسایر اسناد و نامه های عادی با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود. –اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه –بازرس اصلی و علی البدل: ایمان حیدری به شماره ملی ۲۲۳۰۱۴۵۱۷۷ بعنوان بازرس اصلی – پژمان حیدری به شماره ملی ۲۱۱۰۴۴۳۱۵۴ بعنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. رونوشت به: اداره تعاون بازگشت به شماره ۲۷۶۳ مورخ ۲۹/۰۸/۱۳۹۷
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان – اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری گرگان– شناسه آگهی ۳۸۸۶۹۰

آگهی تغییرات شرکت تعاونی یاوران مزرعه وشمگیر

به شماره ثبت ۱۱۶۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۴۷۰۲۲۲ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۰۳/۱۱/۱۳۹۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : – عزیزالله صالحی زاده به شماره ملی ۳۶۷۱۹۵۲۵۴۷ به سمت رئیس هیات مدیره وسبحان بردی یارعلی به شماره ملی ۴۹۷۹۸۳۰۴۷۱ به سمت نائب رئیس هیات مدیره و فریدون حمیدی به شماره ملی ۴۹۷۹۱۲۱۷۰۵ بسمت منشی هیئت مدیره و محسن احمدی خواه به شماره ملی ۴۹۷۹۸۳۱۱۳۳ و محمد پذیرش به شماره ملی ۴۹۷۹۸۲۶۳۵۰ بسمت عضوعلی البدل هیئت مدیره بمدت سه سال انتخاب گردیدند.اقای علیرضا رجب زاده با کدملی ۴۵۹۱۲۱۷۴۳۴ به سمت مدیرعامل شرکت تعاونی به مدت ۳ سال انتخاب گردید. –کلیه قراردادها و اسناد رسمی و تعهد آور بانکی از قبیل چک، سفته، برات و اوراق بهادار با امضاء ثابت آقای/ خانم علیرضا رجب زاده مدیرعامل و آقای/خانم عزیز الله صالحی زاده (رئیس) و مهر شرکت دارای اعتبار است در غیاب آقای/خانم عزیز الله صالحی زاده آقای/خانم سبحان یارعلی (نائب رئیس) حق امضاء خواهد داشت و اوراق عادی و نامه ها با امضای آقای/خانم علیرضا رجب زاده (مدیرعامل) و مهر شرکت معتبر خواهد بود.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان– مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری آق قلا – شناسه آگهی ۳۸۸۶۸۷

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای مهرداد طاهری فرد طبق وکالتنامه شماره۶۰۴۵–۹۶/۰۹/۰۴ دفتر ۳۰۳نور و با ارائه۲برگ استشهادیه گواهی شده توسط کلانتری۵ گرگان ادعا نموده سند مالکیت ششدانگ پلاک ۱۲/۳۳۱۲–اصلی بخش۴ ثبت گرگان که ذیل ثبت۳۳۱۲صفحه۵۲جلد ۳۲ بنام علی هزارجریبی ثبت و سند مالکیت دفترچه ابی بشماره مسلسل ۹۶۴۱۸۹صادر شده که طبق سند۲۱۶۶–۸۱/۱۲/۲۰دفتر۹۲ گرگان به علی اکبر ابوالمعالی دامغانی منتقل شده که طبق سند۲۱۶۷– ۸۱/۱۲/۲۰ دفتر۹۲گرگان در رهن قرار گرفته و سپس طبق سند۱۸۴۶۷– ۹۲/۰۶/۰۲دفتر۸۸گرگان در رهن قرار گرفته از این رو باستناد به ماده۱۲۰– اصلاحی آئین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.
علی برقی–رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان–م.الف ۲۴۹۰

آگهی ابلاغ اجرائیه

احتراما بدینوسیله به خانم اوغول تاج حاقظی فرزند عاشر محمد بشماره شناسنامه ۱۸۸ (مدیون)به نشـانی:بندرترکمن–خیابان آزادی–آزادی۶–به شماره بایگانی۹۷۰۰۰۶۴ ،ابلاغ می گردد،با توجه به اینکه بانک سپه شعبه بندرترکمن،باستناد قرارداد شماره۳۳۳۶–۱۰۸۰–۱۳۸۸/۱۰/۲۷(قرارداد قرض الحسنه)جهت وصول مبلغ ۱۰۹/۰۱۲/۶۴۷ ریال بابت اصل و دیرکرد و سود که به مبلغ مذکور،روزانه مبلغ۱۹/۴۲۲ریال بابت خسارت تاخیر تادیه به مطالبات بانک افزوده خواهد شد،بدهی شما بابت پرونده اجرایی مذکور،علیه شما مبادرت به صدور اجرائیه نموده و پرونده بکلاسه مذکور در شعبه اجرای این اداره تشکیل و در جریان اقدام می باشد،لذا،چون طبق گواهی مامور اعزامی اداره پست بندر ترکمن، در آدرس تعیین شده در متن اجرائیه و اعلامی بانک،مورد شناسایی واقع نگردیده اید و بستانکار نیز نمی تواند شما را معرفی نماید و برای این اداره نیز،آدرس شما معلوم نمی باشد،با درخواست بستانکار و باستناد ماده۱۸ آئیننامه اجرای مفاد اسناد رسمی،اجرائیه فوق الذکر،یک نوبت، در یکی از جراید کثیر الانتشار آگهی مـی گردد،لذا چنانچه ظرف مدت ده(۱۰)روز از تاریخ انتشار این آگهی،که روز رسمی ابلاغ محسوب می گردد،نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمائید،عملیات اجرایی برابر مقررات،علیه شـما تعقیب و به جز این آگهی و آگهـی مزایده،در صورت بازداشت اموال،آگهی دیگری منتشر و صادر نخواهد شد.
حجت اله تجری–رئیس ثبت اسناد و املاک بندرترکمن–م.الف ۲۵۰۱

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای حسـن احسن با ارائه ۲ برگ استشهادیه گواهی شده توسط کلانتری ۷۴ گرگان ادعا نموده سـند مالکیت ششدانگ پلاک ۵۴/۱۰۶– اصلی بخش ۳ ثبت گرگان که ذیل ثبت ۳۸۲۶۲ صفحه ۲۵ جلد ۲۵۶ بنام حسـن احسن ثبت و سند مالکیت دفترچه ای به شماره مسلسل ۵۳۵۵۸۷ صادر شده سپس طبق سند ۱۸۴۶۷–۹۲/۰۶/۰۲ دفتر ۸۸ گرگان در رهن قرار گرفت از این رو باستناد به ماده ۱۲۰– اصلاحی آئین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.
علی برقی–رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان–م.الف ۲۵۰۲

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

بیوگرافی

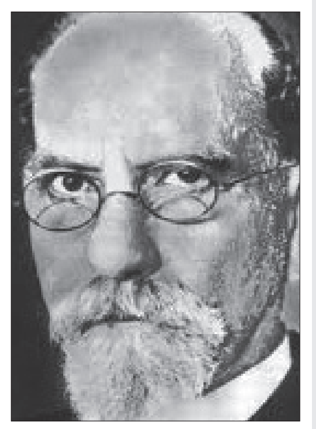

در دو دهه اخیر در ایران درباره اندیشه‌مندانی چون هایدگر و سارتر و ریکور و گادامر و... کتابها نوشته شده و گفتارشان نقل هر مجلسی بوده و هر کسی به گفته های ایشان استناد می کند اما فیلسوفی که اهمیت بسیار زیادی داشته و تاثیرش بر نام هـای مذکور غیرقابل تردید است آنچنان که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است. از این رو قرار شد تا در این شماره به یکی از مهمترین اندیشمندان تاریخ فلسفه غرب، ادموند هوسرل Edmund Husserl پرداخته می شود.

هوسرل بعنوان بنیانگذار پدیدارشناسی در ۸ آوریل ۱۸۵۹ در پروستیتس در موراویا که در آن زمان جزو اتریش بود و امروزه در جمهوری چک قرار دارد و در خانواده ای یهودی تبار دیده به جهان گشود. تحصیلات اولیه او در رشته ریاضیات بود و در سال ۱۸۸۲ رساله دکتری خود در ریاضیات محض را با عنوان دیباچه ای بر نظریه محاسبه متغیرها را زیرنظر لئوپولد کرونکر به پایان رساند.

ویدر طول سالهای ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶ به وین رفت و در کلاسهای فرانتس برنتانو شرکت کرد. وی در همان ایام در درسگفتارهای روانشناسی کارل اشتومپف نیز حاضر شد و در سال ۱۸۹۱ نخستین اثرش با عنوان فلسفه حساب: پژوهشهای روانشناختی و منطقی را که به برنتانو تقدیم کرده بود به چاپ رساند. هوسرل در سال ۱۹۱۶ به فرایبورگ رفت و در آنجا جایگزین هاینریش ریکرت و صاحب کرسی فلسفه شد که در همان سالها مارتین هایدگر و ادیت اشتاین بعنوان دستیار با وی همکاری می کردند. هوسرل نویسنده‌ای بسیار پرکار بود و آثارش در مجلداتی تحت عنوان هوسرلیانا گردآوری شده اند. هرچند که گفته می شود حدود ۲۰ هزار صفحه چاپ نشده نیز از وی وجود دارد. مهمترین تالیفات او نیز عبارتند از: ایده ها: درآمدی کلی بر پدیدارشناسی محض، تجربه و داوری: پژوهشهایی در تبارشناسی منطق، درسگفتارهای پاریس، ایده پدیدارشناسی، تأملات دکارتی: درآمدی به پدیدارشناسی، منطق صوری و استعلایی، بحران علوم اروپایی و فلسفه استعلایی و... . ژاک دریدا نیز فلسفه حساب هوسرل را ترجمه کرده و بهمراه تفسیری مهم به چاپ رسانده است.وی بعنوان پدر پدیدارشناسی، روشی بسیار اساسی را در پژوهش فلسفی از خود به میراث گذاشت که از سوی فیلسوفان مختلف مورد توجه و استفاده قرار گرفت. بطور مثال مارتین هایدگر فلسفه وجودی خویش را برپایه پدیدارشناسی هوسرل تدوین کرد. ژان پل سارتر نیز معنای آزادی و مسئولیت را برپایه روش هوسرلی تأویل نمود و مرلوپونتی هم بحث ادراک را در چارچوب پدیدارشناسی پیش برد. پل ریکور و گادامر هم هرمنوتیک را در چارچوب روش وی توجیه نمودند. بنابراین کاری بغایت دشوار است که بتوانیم بدون درک اندیشه هوسرل به فهم فلاسفه یاد شده نایل گردیم. هوسرل در سال ۱۹۳۳ و در جریان به قدرت رسیدن نازی ها سخت تحت فشار قرار گرفت و از سمت خود برکنار شد و در نهایت در سال ۱۹۳۸ دیده از جهان فرو بست.

مهم‌ترین قاعده‌ی پدیدارشناسی:

بازگشتن به‌خودچیزها

مهدی صاحبکار

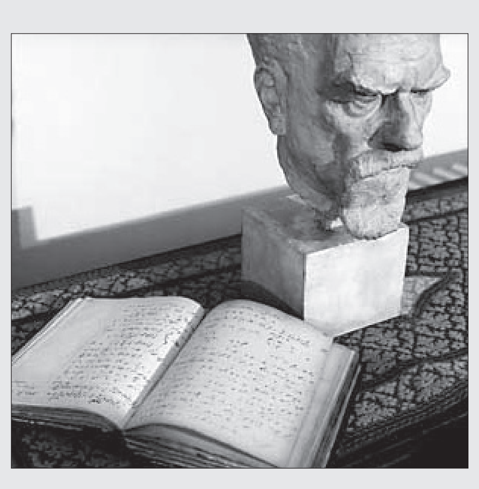

بازگشتن به‌خود چیزها (Sachen selbst zurückgehen)؛ تابدان‌جاکه به پدیدارشناسی مربوط است، مهم‌ترین قاعده‌ی حاکم بر آن را می توان «بازگشتن به‌خود چیزها» تلقی کرد. هوسرل در پژوهش‌های منطقی (Logische Untersuchungen) می‌نویسد: «مامی‌خواهیم به ’خود چیزها‘ بازگردیم». (Hua XIX، ۱۰). هایدگر در هستی و زمان (Sein und Zeit) می‌نویسد: «عنوان ’پدیدارشناسی‘ قاعده‌ای را به‌بیان مـی‌آورد که می توان آن را بدین‌گونه به‌ضابطه درآورد: ’به‌سوی خود چیزها‘». (Heidegger, Sein und Zeit، ۲۷). «خودِ چیز» چیست که پدیدارشناسی می‌خواهد بدان بازگردد؟ «چیز» آن‌قدر عنوان گسترده‌ای است که عملاً محتوای‌اش گنگ و مبهم جلوه می‌کند. «بازگشتن به‌خودچیزها» برای پدیدارشناسی آن‌چنان بنیادین به‌شمار می‌رود که تشریح و روشن‌سازی آن عملاً پای شبکه‌ی مفهومی متنوّعی از تعابیر پدیدارشناسانه را باز خواهد کرد. «بازگشتن به‌خود چیزها» به‌معنای مجالی برای حضور چیزهاست، آن‌هم به‌مددِ نحوه‌ها و شیوه‌هایی که خودشان ابژه (Gegenstand) نیستند. باید در فهم تعبیر «خود چیزها» نهایت احتیاط را به‌جا آورد که اگر این تعبیر کژفهمی شود به‌نوعی اوبژکتیویسم (Objektivismus) خام دچار خواهیم شد. اوبژکتیویسم این‌جا بدین‌معناست که ما ابژه‌ها را در عام‌ترین معنای ممکن به‌جای «خود چیزها» بنشانیم و تعبیر «بازگشت به‌خودچیزها» را «بازگشت به ابژه‌ها» تصور کنیم. برای «بازگشت به‌خودِ چیز» باید خیالِ بازگشت به ابژه را از سر بیرون کنیم. اکنون پرسش این است که ابژه چیست و چه مخمصه‌ای به‌بار می‌آورد که باید از آن اجتناب کرد و بدین ترتیب راهی برای رسیدن به «خود چیز» که «ابژه» نیست گشود؟

در پدیدارشناسی اولین درسی که هر نوآموز کسب می‌کند این است که «آگاهی همواره آگاهی درباره‌ی چیزی است». هوسرل در کتاب پژوهش‌های منطقی آگاهی (Bewußtsein) را معادلی برای زیست‌تجربه‌های روی‌آوردی (intentionale Erlebnisse) تلقی می کند (Hua XIX، ۳۵۶). درواقع، زیست‌تجربه‌هایی که روی‌آوردی هستند، همواره درباره‌ی چیزی هسـتند. وی بعدها در کتاب ایده‌هاI مجدداً تأکید می کند که هر زیست‌تجربه‌ی روی‌آوردی «خصیصه‌ی ذاتی و کلّیِ» (allgemeine Wesenseigenschaft) آگاهی را داراست یعنی همواره درباره‌ی چیزی است (Hua III/1، ۷۳–۷۴). روی‌آوردی‌بودنْ بدواً نسبت‌داشتن با چیزی و روی به‌سوی چیزی داشتن است. آگاهی بدین‌منظور که آگاهی باقی بماند باید همواره روی به‌سـوی چیزی داشته باشد و اهمیتی ندارد که آن‌چیز که آگاهی روی به‌سـوی آن دارد واقعاً به هرطریق ممکنی در جهان واقع وجود دارد یا خیر. عنوانِ عجیب زیست‌تجربه دقیقاً چه معنایی دارد و روی‌آوردی‌بودنِ آن چه معنایی بدان می‌افزاید؟

برای درک بهتر از این دو مفهوم اجازه بدهید موقعیتی فرضی را تشریح کنم که شاید هم به درک زیست‌تجربه و هم به درک روی‌آورندگی کمک کند؛ فرض کنید من بر روی صندلیِ اتاق کارم نشسته‌ام. وقتی از پنجره‌ی اتاق‌ام به بیرون نگاه می‌کنم، متوجه می‌شوم که درخت روبروی خانه‌ام در هوای سرد زمستانی قندیل بسته‌است و بلورآجین شده‌است. من نمی توانم سرتاسر جزئیات را از جایی که نشسته‌ام ببینم. با موقعیتی که نسبت بدان دارم، تمامِ جزئیات را نمی‌توانم تشخیص بدهم. من از نمای (Profil) خاصّی درخت را می‌بینم. اگر جهت‌ام را تغییر دهـم، درخت از نمای دیگری خودش را نشان‌می‌دهد. به‌تعبیر دیگر، در پدیدارشناسی درخت واجد پیش–نموده‌هایی (Abschattungen) است. درواقع درخت خودش را درخلال این نماها و جنبه‌ها (Aspekte) عرضه می‌کند، اما تمام این نماها و جنبه‌ها، نماها و جنبه‌های همان درخت است ولو این‌که من هنوز بسیاری از آن‌ها را ندیده‌باشم. در نگرش موسوم به نگرش طبیعی (natürliche Einstellung) برای وصف این موقعیت خواهیم گفت که توجه من روی دارد به‌سوی ابژه. اگر دقیق‌تر بگوییم، در نگرش طبیعی همواره آگاهی من روی دارد به‌سوی ابژه. به بیان دیگر ابژه است که همواره موضوعیت (thematisch) دارد. اما من می‌توانم اگر بخواهم، به‌جای این‌که ابژه را در کلّیت‌اش تحت نظر قرار دهم، متوجهِ نماها و جنبه‌ای شوم که ابژه درخلال آن خودش را نمایان می‌کند. دراین‌حالت، درخت دیگر موضوعیت ندارد، بلکه این نماها یا جنبه‌است که موضوعیت پیداکرده‌است. نماهم چون نحوه و شیوه‌ای است که در آن ابژه خودش را ظاهر می‌کند. ازطرفی هر وجه از درخت پیشاپیش حکایت از وجه دیگری دارد. می‌توانم دورِ آن بچرخم و در هر تغییر موقعیتی که در مکان ایجاد می‌کنم نمای جدیدی از درخت خودش را ظاهر می‌کند، درحالی‌که نمایی که پیش‌ازاین بـرای من ظاهر بود اکنون به غیاب مـی‌رود. خود درخت ما را به گردیدن دور خود دعوت می‌کند؛ اگر می‌خواهی سویه‌ی دیگر من را ببینی باید دور من بچرخی. همان‌طور که از روی صندلی‌ام بخش‌های یخ‌زده و بلورآجین درخت را تماشا می‌کنم انتظار (Erwartung) دارم که بخشی از درخت که درمنظر من نیست نیز بلورآجین باشد. چه‌بساوقتی بیرون‌بروم و بتوانم سویه‌ی پشتیِ درخت را ببینم، متوجه شوم که شاخه‌های دیگر نیز بلورآجین است و بدین‌ترتیب آن انتظار که داشتم محقّق و برآورده شود یا اصطلاحاً پُرگشتگی (Erfüllung) حاصل آید و چه‌بساکه با هیچ شاخه‌ی یخ‌زده‌ای روبرو نشوم و بدین‌ترتیب از تحقّق انتظاری که داشتم ناکام (Enttäuschung) شوم. نسبت به انتظاراتی که از ابژه‌ها دارم، پرگشتگی و ناکامی همواره آماده‌اند که خود را پیش بکشند. من این‌جا به ماهیت ادارک نظر دارم و این مفاهیم را در افق ادراکی بررسی می‌کنم. اما این مفاهیم در کنش‌ها و افعال مرتبه‌ی بالاتر از ادراک نیز نقش بازی می‌کنند. تابدین‌جا من به تعیّنات درونی میان خودم و درخت اشاره کردم. اکنون تصوّر کنید که من درخت مزبور را نه در جلوی خانه‌ام که در جنگلی می‌بینم و فی‌الحال صدای یک حیوان ناشناس را در دل جنگل می‌شنوم، صدایی که احساس خطر را در من زنده‌می‌کند. اینک درخت که در موقعیت قبلی ابژه‌ای بصری و زیبا برای من بود، بدل به راه‌حلی برای نجات جانام می‌شود. پنهان‌شدن در پشت درخت یا بالارفتن از آن تا توجه به‌زمینه‌ی تازه‌ای که به‌وقوع پیوسته‌است، افق (Horizont) درخت را پیش می‌کشد. افقْ موقعیت تازه‌ی درخت را در زمینه‌ای که تاکنون از آن داشتم، تعیین می‌کند. حالا تصوّر کنید حین تماشای درخت از درون اتاق هستم که صدای سوت قطار از دوردست به گوشم می‌خورد. این صدا ناگهان من را به‌یادِ صفحاتِ اولیه‌ی کتاب نسبیت آینشتاین و ازآن‌جا به‌یادِ خودِ نظریه‌ی نسبیت می‌اندازد. آگاهی‌ام از درخت قطع می‌شود و اکنون بیش‌تر در اندیشه به‌این نظریه غرق می‌شوم. کلّیتی ذیل عنوانِ «نظریه‌ی نسبیت آینشتاین» ابژه‌ی جدید آگاهی من واقع می‌شود. سپس جهت فکرم ابتدا به آن تمثیل مشهور قطار با حرکت یکنواخت که آینشتاین در کتاب خود از آن یاد کرده‌است، متمرکز می‌شود. این جهت تازه ابژه‌ی تازه به‌دست می‌دهد یعنی «قطار با حرکت یکنواخت» که ابژه‌ای مرکّب و نه بسیط است. به‌دلیل دشواری مبحث نسبیت چنان در اندیشه فرو رفته‌ام که اگر کسی از جانبی به من نگاه کند، فکر می‌کند خوابیده‌ام؛ خواب با چشمان باز. حتّی ممکن است فکر کند مرده‌ام، مرده‌ای با چشمان باز. اما با تمام این احوال من کاملاً زنده‌ام و یکسر مشغولِ اندیشه به نظریه‌ی نسبیت هستم. معهذا این تمرکز بر نظریه‌ی نسبیت مانع از این نیست که تنوانم تشخیص بدهم که درون اتاق نشسته‌ام. به‌علاوه، در اتاق‌ام نیمه‌باز است و در اثنای فکرکردن به نظریه‌ی نسبیت هستم که متوجه می‌شوم گربه‌ی محبوب‌ام نوویی (nuit) وارد اتاق می‌شود. به‌محض ورود، خودش را به‌جنب میز کارم می‌رساند و با یک جَست مثل یکی از اجداد گربه‌سان‌اش بر روی میز می‌پرد. حین این پرش با یک صدای غرش خفیف، هم تبار مشابه‌اش با سلطانِ جنگل را به‌من گوشزد می‌کند و هم به‌دلیل نوعی احترام که برای حوزه‌ی خصوصیِ من قائل است، ورودش را محترمانه‌تر می‌کند. به‌محض پریدن بر روی میزِ خودش را یله بر سختی میز رها می‌کند و این یعنی که باید دستام را برای نوازش پشم‌های نرم و پیشِ‌تاش دراز کنم. من توجه‌ام از نظریه‌ی نسبیت قطع می‌شود و براساس فیزیکِ لمیدگیِ نوویی، درخواستِ نوازش‌اش را اجابت می‌کنم. صدای خورخور خفیفی از گلوی‌اش بیرون می‌آید که به‌خوبی رضایت‌اش را از دستِ نوازش‌گرِ من نشـان می‌دهد. من زیر دستام توده‌ای انبوه از موهای نرم و گرم نوویی را لمس می‌کنم. لامسه‌ام حسابی سرکیف شده است از این نوازش پُرحرارت. گرما و نرمی این دستـنوازیْ خاطره‌ی دوری را از اولین مواجهه‌ی من با یـک گربه به ذهن‌ام خطور می‌دهد. کودک که بودم در حیاط فراخ خانه‌ی مادربزرگ‌ام برای اولین مرتبه با گربه‌ای سیاه و حسابی پشمالو آشنا شده‌بودم و مادربزرگ با دست‌هایی که اکنون خیلی دور جلوه می‌کند تلاش کرده‌بود که دست‌های کوچکِ من را به‌بدن گربه نزدیک کند تا ترس من از آن موجودِ پشمالوی سیاه بریزد. ذهن‌ام، هم گام با این خاطره، به یک طاق داغ تابستانی در آن خانه‌ی قدیمی می‌رود و به یادِ طعم هلوی خوشمزه‌ای می‌افتم که آن را زیر سایه‌ی درختی پیر و کهنسال که در مرکز حیاط بود مزمزه می‌کردم. درمیان این گرماهای خاطره ناگهان سوزش عجیبی در دستام حسّ می‌کنم و وقتی به‌محل سوزش نگاه می‌کنم متوجه می‌شوم که نوویی از کلنجاررفتن زیاده‌ی دستـام روی پوستاش عصبانی شـده است و من را با یک گاز جانانه از یادآوری طعم آن هلو و خانه‌ی قدیمی دوران کودکی‌ام جدا کرده‌است. در تمام اینْ مدتْ آگاهی من جاری است، امّابیش از آن‌که متوجه آگاهی –اگر آن را عنوان عامی برای تمام این تجربه‌ها بنامیم– باشم، متوجه درخت، نظریه‌ی نسبیت، قطار با حرکت یکنواخت، در اتاق، ورود نوویی، نوازش نوویی و خاطراتی پی‌درپی هستم. ولی این امکان هست که بتوانم توجه‌ام را از این ابژه‌ها در عام‌ترین معنای کلمه تغییر دهم به‌سوی افعالی (Akte) که متوجه‌این ابژه‌ها هستند. بااین تغییر، که به‌زبان پدیدارشناسانه تربااین برگردانی (Reduktion) ابژه‌ها از مدار توجه من خارج می‌شوند و اینک خودِ افعال هستند که جلب‌نظر می‌کنند: «دیدن» درخت، «اندیشیدن» به‌نظریه‌ی نسبیت، «نوازش» نوویی، «یادآوری» برخی خاطرات و «حسّ» درد. اینک این افعال جدید هستند که می‌خواهند خود را همچون ابژه نشان دهند. توجه داشته باشید که من همواره این امکان را دارم که افعال دیدن، اندیشیدن، لمس‌کردن، یادآوردن و احساس‌کردن را ابژه‌ی فعل جدیدی قرار دهم؛ اگر چنین کنم، فعل جدید که ابژه‌اش این افعال است می‌تواند هرکدام از این افعال باشد فعلِ تأمل (Besinnung) خوانده می‌شود که در پدیدارشناسی جایگاه ویژه‌ی خود را داراست. عجالتاً اما از آن درمی‌گذریم. بازهم باید به این نکته دقت داشته باشید که آن افعال مذکور جملگی ذیل عنوان زیست‌تجربه (Erlebnis) نامیده‌می‌شوند. عنوان زیست‌تجربه برازنده‌ی افعال است و نه ابژه‌ها. من با زیست‌تجربه‌ی دیدنِ درخت، زیست‌تجربه‌ی فکرکردن به‌نظریه‌ی نسبیت، زیست‌تجربه‌ی لمس نوویی، زیست‌تجربه‌ی یادآوری خانه‌ی مادربزرگ‌ام، زیست‌تجربه‌ی یادآوری طعم شیرین هلو و زیست‌تجربه‌ی حسّ یک درد تندوتیز که حواسِ دست‌ام را تحریک می‌کند، مواجه‌ هستم. اگر زیست‌تجربه‌ها را همان افعالی که از آنها یاد کردم ذیل یک فعل مرتبه‌ی بالاتر قرار نگیرند یعنی به‌ابژه‌ی یک فعل دیگر و ابژه‌ی یک زیست‌تجربه‌ی دیگر بدل نشوند آن‌چنان‌که در فعل تأمل رخ می‌دهد، معهذا من از آن‌ها باخبرم. این باخبری «هم‌زمان» از این افعال نه یک باخبری تأمّلی بلکه یک باخبری توأمان است، چیزی شبیه به آن‌چه ارسطو در فصل دوم دفتر سوم از کتاب درباره‌ی نفس از آن یاد می‌کند. هم‌زمانی در این‌جا بدین‌معناست که زیست‌تجربه هم از ابژه‌اش مطّلع است و هم مقارن با آن اطلاع، قسمی اطلاع و باخبری ضمنی نیز داراست که می‌توان آن را خود–آگاهی یا خود–باخبری یا خود–هوشیاری (Selbstbewußtsein) نامید. همین‌جا باید فرصت را مغتنم بشمارم و یک اصطلاح مهم دیگر را هم به جمع این اصطلاحات بیافزایم. در تمام آن انحاء متنوّع زیست‌تجربه که گفته شد، ابژه‌ها برای زیست‌تجربه داده‌شده (gegeben) هستند. اما در خود–آگاهیْ آگاهی برای خودش خود–داده‌شـده (Selbstgegebene) است و نباید هنوز آن را هم‌چون ابژه برای مرتبه‌ایی که در زیست‌تجربه‌ها شاهدبودیم، تلقی کرد.

ادامه دارد

زایش پدیده‌شناسی از روح منطق

یحیی شعبانی – از بین تمام موضوعاتی که هوسرل به آنها توجهی نشـان داده اسـت، منطـق صوری و سرنوشت آن نقشی کانونی بر عهده می‌گیرد. صرف‌نظر از آثاری که هوسرل در آنها مستقیماً به منطق پرداخته اسـت می‌توان نشـان داد که در اندیشـه‌ی هوسرل منطق همان موتیفی اسـت کـه جهت‌گیری و لحن پدیده‌شناسی را مشخص می‌کند. هوسـرل تقریباً هیچ‌گاه منطق را رها نکرد، به نحوی که می‌توان مهم‌ترین محرک هوسرل در تأسیس پدیده‌شناسی را طرح پرسش‌هایی فلسفی درباره‌ی منطق در نظر گرفت. منطق نه تنها نقطه عزیمت پدیده‌شناسی هوسرل بلکه غایت و ای‌بسا خود پدیده‌شناسی است. پدیده‌شناسی هوسرل که از حیث تاریخی و روشی اساساً با تعیین خاستگاه و اصول بنیادی منطق صوری به دنیا آمده بود، نهایتاً در شکل استعلایی خود به فلسفه‌ای برای نجات روح فلسفی منطق تبدیل شد. اما هوسرل در قلمرو منطق چه می‌دید که در مواجهه با آن ناچار به سـاختن یک روش فلسـفی کاملاً جدید شد؟ با نظر به عمر فلسفی هوسـرل می‌توان دریافت که او رویکرد جهان مدرن به منطق را نمی‌پسندید. منطق در جهان مدرن با از دسـت دادن معنای اصیل خود در مقام «آموزه‌ی علم» (Wissenschaftslehre) به علمی «در کنار» دیگر علوم تبدیل شـده بود. علاوه بر این، جنبه‌ی سوبژکتیو و استعلایی منطق، یعنی آن فرآیندها و اعمال سوبژکتیوِ استعلایی که معانی منطق ابژکتیو را تقویم می‌کنند، دیگر به رسمیت شناخته نمی‌شد و فیلسوفان و منطقدانان به صورتی خام‌دستانه آن را نادیده می‌گرفتند. پیشنهاد هوسرل در چنین شرایطی طرح پرسش‌هایی فلسفی از منطق یا به عبارت دقیق‌تر قرار دادن منطق در جایگاهی فلسفی بود، چه پیش از چرخش استعلایی و چه پس از آن. فلسفی–کردن دوباره‌ی منطق طرح مجدد منطق به‌مثابه آموزه‌ی علم است؛ اما آموزه‌ی علم چیست؟

آموزه و وحدت صوری علم

علـم گردآیه‌ایِ دلبخواهی از حقایق و گزاره‌های حقیقی نیسـت، به نظر هوسرل آن چیزی که علم را علم می‌سازد انسـجامی عینی یا ایدآل است که از یکپارچگی برخوردار است. از همـان بـدو پیدایش پدیده‌شناسی در شکل روانشناسی توصیفی، در کتـاب پژوهش‌های منطقی، با فـراز و نشـیب‌هایی شـاید مهمترین انگیزه‌ی هوسرل تأسیس «منطق محض» در مقام آموزه‌ی علم و به طور کلی تلقی از پدیده‌شناسی چونان علم‌العلوم بوده اسـت. معنای اصیل و وظیفه‌ی حقیقی منطق به مثابه آموزه‌ی علم روشن‌سازی معنا و حدود علم به طور کلی و توضیح آن با وضوح نظری است. نگارش اثر عظیم هوسرل، پژوهش‌های منطقی، در نتیجه‌ی التفات وی به بحران روان‌شناسی‌گرایی در منطق به‌مثابه آموزه‌ی معنا و علم بود. روانشناسی‌گرایی اساساً منطق را به چیزی تبدیل می‌کند که دیگر آموزه‌ی علم نیست بلکه علمی خاص ذیل روانشناسی است. آرمان منطق محض علمی پیشینی، نظری و قانون‌گذار است که با ماهیت مثالی علم سروکار دارد. بدین‌ترتیب ایده‌ی منطق محض در این دوره از اندیشـه‌ی هوسرل همـان آموزه‌ی علـم و یکی از مهمترین ابعـاد آن وحدت تئوریک علم اسـت. وحدت یک علم منوط اسـت به وحدت یک تئوری یا نظریه و دیگر اقسام وحدت علم (وحدت توصیفی و وحدت هنجاری) منوط به وحدت نظریه‌اند. پس به طور کلی می‌توان در این دوره‌ی فکری هوسرل (پیش از چرخش استعلایی) ایدآل منطق محض را بـه مثابه آموزه‌ی علم و وحدت صوری آن در نظر گرفت. یکی از مهمترین انگیزه‌های هوسـرل در طرح چنین آموزه‌ای دفاع از ماهیت و کیان علم در مقابل نسبی‌گرایی و پراکندگی جزیره‌وار علوم است. در انتهای قرن نوزدهمَ نسـبی‌گرایی، پوزیتیویسم و روان‌شناسی‌گرایی پیش می‌رفت تا تمایز علم از غیرعلم را به کلی مخدوش کند. در این شـرایط حساس است که هوسرل به بنیادگذاری متقن علوم می‌اندیشد و تلاش می‌کند نسبت علوم با فلسفه را که در دوره‌ی مدرن (از گالیله به اینسو) دچار بحران‌های اساسی شده است بازسازی کند.

آموزه و وحدت استعلایی علم

پس از چرخش اسـتعلایی، هوسـرل با طرح الگوی استعلایی و قلمرو تقویمی آن پدیده‌شناسـی را وارد فاز جدیدی می‌کند. در این فاز که قرار است آگاهی برگرد اگوی استعلایی سامان یابد پدیده‌شناسی موظف است مسئله‌ی آموزه و وحدت علم را مجدداً طرح و پیگیری کند و از سرنوشت آن بپرسـد. آنچه در این مرحله اهمیت دارد تقویم منطق صوری به‌مثابه آموزه‌ی علم توسط اگوی استعلایی است. در واقع در این مرحله باید پیگیر نسبت منطق صوری و منطق استعلایی و نسبت آنها با حوزه‌ی تقویمی اگو شـویم. آنچه در اینجا اهمیت ویژه‌ای دارد نزدیک شـدن پروژه‌ی فکری هوسرل به کانت و نوکانتی‌های مکتب ماربورگ، به ویژه ناتورپ، است. یکی از مسائل تاریخی در فلسفه پس از کانت نسبت بین منطق ارسطویی و منطق اسـتعلایی در نقد اول کانت بوده اسـت. آنچنان که از راویان و مفسران کانت در قرن نوزدهم برمی‌آید، در نوشته‌های کانت این نسبت به هیچ وجه شفاف و واضح نیست. در قرن نوزدهم تقریباً اغلب فیلسوفانی که در خط کانت قرار دارند خود را موظف به ایضاح چنین نسبتی دیده‌اند. در واقع، بخشی از پروبلماتیک تفسیر کانت سردرآوردن از نسبت بین منطق ارسطویی و منطق استعلایی است. بی‌تردید آن بخشی از مباحث مکتب ماربورگ که بر روی این پروبلماتیک متمرکز بود هنوز بخش زنده‌ی آن به حساب می‌آید. نکته‌ی مهم برای ما در اینجا آن است که هوسرل تاحد زیادی تلاش کرد اساساً در طرح فلسفی خود دوباره این نسبت را به مسئله‌ای فلسفی تبدیل کند با این تفاوت که دوران هوسرل به واسطه‌ی رشد حیرت‌انگیز ریاضیات دوران صوری‌سازی عظیم امور و به‌ویژه منطق نیز بوده است. زمانه‌ی کانت اساساً تصوری از صوری‌سازی منطق نداشت و به همین دلیل نمی‌توانست قدرت فرم ریاضی را درک کند. نقد هوسرل بر صوری‌سـازی منطق و علوم در جهان مدرن بیش از هر چیزی مبتنی اسـت بر رادیکالیزه‌کردنِ صورت و فرم. در واقع هوسـرل به ما نشان می‌دهـد که منطق ریاضیِ–صوری مدرن اصـولاً آنقدر که ادعا می‌کند «صوری» نیست به همین دلیل فرم در آن مرده به دنیا می‌آید و از قدرت و مسـئولیت چندانی برخوردار نیسـت. فرم در منطق صوری بیشتر به فرمول تقلیل داده می‌شود. هوسرل با تفسیر مجدد نسبت منطق صوری و منطق استعلایی نشان می‌دهد که منطق استعلایی بنیاد و اساس منطق صوری اسـت و غفلت از این امر منطق و علـوم را به اموری بحرانی، مرده و خشک تبدیل می‌کند. نادیده‌گرفتن بنیادهای استعلایی–سوبژکتیو منطق و روایت فلسـفی هوسرل از منطق و تاریخ آن تا حدودی نشان می‌دهد که چرا ایده‌ی وحدت علم پس از رنسـانس همواره وضعیتی بحرانی داشـته است و چرا علوم مدرن در نهایت وضعیتی جزیره‌ای و خودآیین دارند.

چرا ادموند هوسرل را باید در ایران جدی بگیریم؟

علی نجات‌غلامی

ایران ما یک سنت هزارساله‌ی متافیزیکی دارد، متافیزیکی که در بنیاد تفکر ما نشست کرده است. حال قبل از ارزش‌یابی این متافیزیک که درست است یا غلط، قابل دفاع است یا قابل نقد، این نکته‌ای حیاتی است که باید بدان توجه داشت: جهش ناگهانی از روی این متافیزیک به دلیل مواجهه‌ی دفعی ما با وجه ضدمتافیزیکی تفکر مدرن و معاصر مغرب‌زمین می‌تواند به گونه‌ای سکته‌ی فلسفی در جامعه‌ی ما ختم شود. سکته‌ای که مسیر تفکر در جامعه‌ی ما را از هم می‌گسلد. طبیعتاً تمدن ما نیز چونان هر تمدن دیگری در چند مسیر فکری اعم از فلسفی و ضدفلسفی حرکت کرده است. کلام، فقه، عرفان، فلسفه و غیره شیوه‌های تفکر در جامعه‌ی ما بوده‌اند و هر یک کوشیده است جریان‌های دیگر را یا طرد کند یا تحت انقیاد خود دربیاورد. با مواجهه‌ی ما با دنیای غرب بعد از بدبینی‌های ناشی از استعمار و انواع خودباختگی‌ها، طبیعتاً نوعی حزم و احتیاط نسبت به شاهراه اصلی تفکر مدرن پیش آمد. لذا برای گونه‌ای حفظ هویت فکری تلاش کردیم عمدتاً آن دسته از متفکرینی در مغرب زمین را برجسته‌تر کنیم که سـنت متافیزیک غرب را نقد می‌کنند و در بسیاری از حالات آنها را به نحو آزاد و دلبخواهی هم خوانش کردیم و در فضای عمومی بـا ارجاع به تک‌جمله‌ها آنها را مصادره به مطلوب هم کردیم. و نیز بر وجوه افتراق خویش نسـبت با دنیای غرب تأکید بیشتر و اغراق‌آمیزی کردیم. باچهره‌هایی –مثلاً هانری کربن –که در واقع تلاش داشت، علیه پروژه‌ی شرق‌شناسی بایستد و ماهیت مستقلی برای تفکر ایرانی –اسلامی ما بجوید و بر وجوه تمایز دست می‌گذاشت و کمتر به اشتراکات نظر می‌کرد، جریانات مختلفی به‌وجود آمدند که به هر ترتیب ماهیت مستقل تفکر را ما را می‌خواسـتند روشن کنند. این سبب شد که حتی کسانی مانند بوعلی و در نتیجه کلیت سنت مشاء در فرهنگ ما به مثابه امر بیگانه شناسـایی شوند. و حال آنچه به مثابه آن هویت مستقل لحاظ می‌شد، طبیعتاً به سمت جریانات ضدفلسفی و مثلاً کلام و عرفان میل می‌کرد. آمیزه‌ای که نهایتاً از کلام و عرفان فراهم آمد از وجه عقلانی خود کلام و عرفان نیز فاصله گرفت و گونه‌ای هندی‌سازی تفکر را در پیش گرفت و اصرار داشت که ما اساساً شرقی‌ایم! مثلاً بخش‌های نخست کتابی همچون کشف‌المحجوب که مباحث منطقی را در دفاع از معنای عقلانی علم علیه سوفیسم پیش می‌کشد، ابداً مورد توجه کسی قرار نگرفت و نهایتاً به‌مثابه نفوذ کلام بیگانه حتی در عرفان ما از آن یادی بشود. این در حقیقت نتایج بسیار شومی برای جامعه‌ی فکری معاصر ما داشت. زیرا معنای عقلانیت در دوران مدرن بسیار عام‌تر و فراگیرتر از چیزی بود که ما حتی در بخش کلامی سنت‌مان در تقابل با آن بودیم. این سطح از عقلانیت که دوران مدرن در مقابل کلام مسیحی قرون وسطایی از آن دفاع می‌کرد، برای حتی غزالی هم امریَ بدیهی و پذیرفته‌شده بود. زیرا اساساً دین اسلام در حکم ایمانی‌ای در اصول دین‌اش، مغایرتی اساسی با عقل مبنایی نداشت. مثلاً حکمی که بگوید سه یک است و یک سه است وَ تا ایمان نیاوری نمی‌فهمی. آنچه محل مناقشه بر سر عقلانیت بود عقل قیاسی‌ای بود که در نهایت‌الحکمه فرومی‌ماند. لذانوع مشکلی که کلام اسلامی بافلسفه داشت در «نهایات» بود نه در «بدایات».

ترازوی همه‌ایزدشناسی
چه‌باشد جز دلیلی یاقیاسی
و ایضاء
به‌اندازه‌ی عقل نسبت‌شناس
از این بیش نتوان نمودن قیاس
نظامی

برخلاف جریان اصلی کلام مسیحی که بر این حکم استوار بود که «ایمان می‌آورم چون نامعقول است» و اساساً عقل مبنایی اولیه ریاضی را نیز در ساحت ایمان طرد می‌کرد. اما حتی متکلمین اسلامی نیز چنین چیزی را باور نداشتند که ایمان اجازه ندهد از چرایی سه همان یک است پرسش کنیم

حال دوران مدرن پس از رنسانس و عقلانیت روشنگری می‌کوشد از چنین معنای مبنایی‌ای از عقلانیت در مقابل آن ایمان‌گرایی ضدعقلانی بایستد. به هر حال، تبیین مدرن از عقلانیت دشواریهای درونی فراوانی داشـت که از منظرگاه‌های مختلفی از اواخر قرن نوزدهم به بعد به این شیوه‌ی تبیین حمله شـد. از منظرگاه اجتماعی–اقتصادی و سیاسی، از منظرگاه دفاع از علوم انسـانی که آن عقلانیت بیش از حد تحت انقیاد علوم طبیعی درآمده بود، از منظرگاه ادبیات و احساس و عاطفه در مقابل عقل خشک مکانیکی، از منظرگاه اراده در مقابل عقل محاسبه‌گر و غیره؛ و صدالبته یکی از منظرگاه‌ها، منظرگاه ایمان در مقابل عقل بود که کم و بیش می‌خواست به ساحت ایمان قرون وسطایی بازگردد. جریان نوتومسیم کم و بیش از این جریانات بود که البته در حاق خودش هم شـدت و ضعف داشت. جریان اگزیستانسیالیسم متاله، هم چنین سودایی را کم و بیش داشت، اگرچه معنای ایمان را دگرگون می‌کرد. نگاه‌های ویتالیستی و انتولوژیک و رمانتیک نیز هر کدام شیوه‌ی نقد خود را بر عقلانیت مدرن داشت که نهایتاً هر کدام کم و بیش مفاهیمی برای گفتمان ایمانی و کلیسایی برای تقابل با عقلانیت مدرن را تقویت می‌کرد.

حال در چنین فضایی که گفتمان‌ها ضدمدرن دارند برجسته می‌شوند، جامعه‌ی ما بعد از انقلاب مشروطه با دوگانه سنت و مدرن روبه‌رو می‌شود و در این میان استعمار غرب و نیز تقابل سوسیالیسم با امپریالیسم غرب که می‌کوشید از کلیت متافیزیک غرب به‌مثابه ایدئولوژی ایده‌آلیستی حذرمان بدارد، نگاه سنتی ما را دچار احتیاط شدید می‌کند که مبادا ایمان خود را از کف بدهد. لذا ما به نحو عجولانه‌ای به هر نقدی که ایمان مسیـحی در دوران معاصر بر عقلانیت مدرن داشـت لبیک گفتیم. غافل از اینکه این شیوه‌ی نقد عقلانیت مدرن ضرورتاً قرار نیست منطبق بر شیوه‌ی نقد ممکن ما بر آن و آنچه باشد که نتیجه آن می‌پنداشتیم. زیرا معنای ایشان از ایمان همان‌طور که گفتم در تقابل با عقل‌مبنایی بود و ما اساساً چنین مشکلی نداشتیم. ما نهایتاً سنخی از ایمان مسیحی را به‌اسم ایمان اسلامی از شر عقلانیت نجات دادیم و عقلانیت را آنگونه فهم کردیم که بخشی انفکاک‌ناپذیر از ایمان و تمدن خودمان را هم شامل می‌شد و آنها را دور ریختیم. وقتی می‌گویم تنها غرب‌زدگیِ واقعی خود آقای احمد فردید بود منظورم گونه‌ای لجاجت یا حتی سیاسی خوانی نیست، بلکه دارم می‌گویم شیوه‌ی نقدش بر عقلانیت نوعاً یک شیوه‌ی غربی در دفاع از ایمانی است که نوعاً یک ایمان مسیحی–اروپایی است. ایمان ما به این شکل نبود.

به همین دلیل ما دچار سکته‌ی شدید فرهنگی شدیم و ناگهان ارتباط دیالوگی ما، هم با تنه‌ی فلسفه‌ی جهان و هم با تاریخ خودمان قطع شد. ما دچار نوعی انزوای شدید شدیم و نهایتاً با تشبه به هندوستان خواستیم هویت ناغربی خودمان را قوام ببخشـیم و سر از تقلید مطلق طریقتی درآوردیم. بااینکه مردمانی بودیم که در بهترین شرایط تاریخی–جغرافیای برای مشارکت تأملی–انتقادی در مسیر تفکر قرار داشتیم. ما به مثابه دروازه‌ی ملل شرق و غرب می‌توانستیم به هر دو زبان سخن بگوییم و در حل بحران‌های بشری ما نیز به خوبی بیاندیشیم.

حال چه باید کرد؟ من باور دارم که پیوندی که می تواند این گسست را از بین ببرد، تفکر ادموند هوسرل است، فیلسوفی که آخرین چهره‌ی متافیزیکی غرب است و در نهایت بحران‌های عقلانیت روشنگری را نشـان داد و ضمن نقد نهایی تمامی این بحران‌ها، معنای باستانی عقلانیت را – آن معنایی که سـنت ما نیز در آن سـهیم بود – احیاء کرد. فلسفه‌ی معاصر قاره‌ای که امروزه به صورت یک چهل تکه‌ی از هم گسیخته برای ما تعبیر شده است، فقط با یافتن سرنخ‌های تفکر هوسرلی آن است که معنای فلسفی خودش را می‌یابد. تصویری که از مارتین هایدگر و یا نیچه و یا دیگران به دست آمده با تفکر اوست که می‌توان در شاهراه فلسفه بازفهم کرد. تفکرات جدیدتر را با فهم نقد درستی که بر هوسرل دارند بهتر می‌شود دریافت. تلاش هوسرل برای معنابخشی به «فلسفه‌ی اولی» و بسترِیابی اتقانی آن که گاه حتی آن را «حکمت خالده» می‌نامد، ضمن نقد ناتورالیسم پوزیتیویستی مدرن از یک سو و نقد تاریخی‌انگاری دوکساتیک از سوی دیگر، می‌تواند جایگاه تاریخی تفکر سینوی ما را نیز روشن سازد، و خودشناسی ما را به سـطحی از خودشناسی فلسفی – چنانکه بود – ارتقاء دهد تا در سـطح یک اگوئیسم کور و آنتروپولوژیستی باقی نمانیم. کسی مانند مارتین هایدگر که امروز برای ما به شکل غلطی چونان چهره‌ای تصویر شـده است که تاریخ متافیزیک غرب را کنار گذاشت (و در نتیجه ما خوش‌بختیم که دچارش نشده‌ایم!)، با فهم مبنای هوسرلی تفکرش، از این کاریکاتور رها خواهد شـد و معنای راسـتین تفکر او و امثال او را درخواهیم یافت. هوسـرل با فهم فلسفه به مثابه علم متقن – همان‌چیزی که متن بوعلی در تلاش برای آن بوده است – به تفکر ما امکان تنفسی خواهد داد که بدون هیچ ارتجاعی، اندیشیدن را ضمن بازگشتن به خود چیزها از سر بگیرد. نسبت ایمان و عقل در سنت ما می تواند دوباره در اساس مسئله شود و مورد تأمل قرار بگیرد. هوسـرل از یک سو با نقد اساسی پوزیتیویسم جای نگرانی برای ما نمی‌گذارد که به یک مقلد مدرنیزاسیون تقلیل بیابیم. از آن سو با نقد تاریخی‌انگاری، ما را از فروخفتن در یک جهان خصوصی به اسـم فرهنگ و تاریخ هویت‌مان – که به نحو صـوری فقط «درباره‌اش» سخن می‌گوییم و آن را باز هم نمی‌کنیم – نجات می‌دهد.

به هر خال، در شـصت سـال اخیر گفتمانی که دربالا نقد شـد فرصت آزمایش خودش را داشـته است و دیگـر بیش از این باورش معنادار نیست.